

بررسی جغرافیایی ناپایداری جمعیت و متروک شدن روستاهای شرق گیلان در بیست سال اخیر*

تیمور آمار* - استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
رضا حسن پور - عضو هیئت علمی گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۲۵

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۲۴

چکیده

در بررسی دلایل ناپایداری نقاط روستایی به عواملی چون: عوامل اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی - اطلاعاتی و تبلیغاتی و بالاخره عوامل جغرافیایی برخورد می‌نماییم. در این مقاله نگارندگان در پی آن هستند تا نقش و رابطه عوامل جغرافیایی را در تحولات جمعیتی و زمین‌های جابجایی و خالی از سکنه شدن روستاهای شرق گیلان - بررسی نمایند.

اگرچه به نظر می‌رسد جامعه روستایی استان گیلان و ناحیه مطالعاتی (شرق گیلان)، به لحاظ برخورداری از شاخص‌های خدماتی از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار باشد، لیکن در طی بیست سال اخیر حدود ۹۱ روستا از مجموع ۱۲۹۴ آبادی شرق گیلان متروک و خالی از سکنه شده‌اند. روند نزولی جمعیت روستایی ناحیه از سال ۱۳۷۰ آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد و در مجموع حدود ۸۶ درصد از کل نقاط روستایی ناحیه مطالعاتی (۱۰۷۳ روستا) دارای نرخ رشد منفی جمعیت بوده‌اند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین توپوگرافی و اقلیم با تحولات جمعیتی و متروک شدن روستاهای ناحیه رابطه نزدیکی وجود دارد. ضمن این که در تغییر وضعیت روستاهای ناحیه از سکونتگاه‌های دائمی به سکونتگاه‌های موسمی یا متروک نقش شیب، ساختار زمین شناسی و کاربری اراضی نیز قابل توجه است.

واژگان کلیدی: مهاجرت روستا - شهری، متروک شدن روستاها، شرق گیلان

E-mail: Amar@ Iaurasht.ac.ir

*نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۳۸۵۵۰۳

*مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی جغرافیایی ناپایداری جمعیت و متروک شدن روستاها در شرق گیلان در بیست سال اخیر" است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال ۱۳۸۸ تهیه شده است.

۱. مقدمه

شکل‌گیری جوامع روستایی، تحولات جمعیتی و متروک شدن آنها را می‌توان متأثر از عواملی چون طبیعی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و نظامی دانست. از طرف دیگر استمرار سکونت و تحولات جمعیتی این جوامع نیز تابعی از جریان جابجایی از روستاها به سمت شهرها است که خود از عوامل بسیاری چون عوامل جغرافیایی و اکولوژیکی نشأت می‌گیرد.

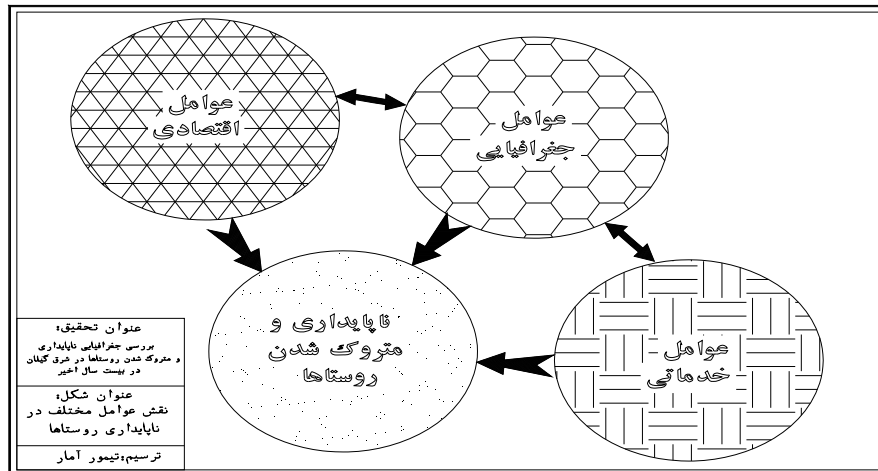
شرایط جغرافیایی و طبیعی یک ناحیه را می‌توان از جمله عوامل نسبتاً ثابت دانست که در تطور روستاها نقش بسزایی ایفا می‌کنند؛ مولفه‌هایی چون ریخت یا ساختار زمین، توپوگرافی، منابع آب، شیب، اقلیم و... هر یک به تنهایی و یا مجموعاً در این روند تغییرات مؤثر هستند. پژوهش حاضر بدنبال آن است که رابطه بین تحولات جمعیتی روستاها با عوامل جغرافیایی را در یکی از نواحی گیلان و در یک مقطع زمانی (۱۳۶۵ لغایت ۱۳۸۵) بررسی نماید.

۲. طرح مسئله

اگر عوامل مؤثر بر نحوه شکل‌پذیری و پراکندگی مکانی سکونتگاه‌های روستایی را به دو دسته عوامل محیط طبیعی و عوامل محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (سعیدی، ۱۳۷۷) تقسیم نمائیم، الگوی اسکان در سکونتگاه‌های روستایی بیش از هر چیز انعکاس ویژگی‌های محیط طبیعی است. عواملی چون اشکال ناهمواری، آب و هوا و پوشش گیاهی، پراکندگی مکانی شبکه آبها، کیفیت خاک‌های در دسترس و مانند آن به نحوی بارز موقعیت سکونتگاه‌های روستایی را تحت تأثیر خود قرار داده، باعث شکل‌گیری الگوهای خاص می‌شود. بنابراین، الگوی سکونتگاهی و نیز اشکال سکونتگاه‌ها تا حد زیادی تابع اقلیم، توپوگرافی و نحوه پراکندگی منابع آب، خاک و همچنین دیگر پدیده‌های طبیعی هستند. در این مقاله نگارندگان در پی آنند تا نقش و اثر عوامل جغرافیایی را در پیدایش زمینه‌های جابجایی و خالی از سکنه شدن روستاهای شرق گیلان بررسی نماید.

شرق گیلان از نظر برخورداری از شاخص‌های خدماتی از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار است؛ به طوری که ۸۸ درصد از روستاهای ناحیه برخوردار از برق، ۳۸ درصد برخوردار از آب لوله‌کشی، ۴۹ درصد برخوردار از امکانات آموزشی و ۳۰ درصد نیز از خدمات بهداشتی و درمانی برخوردارند. در زمینه امکانات ارتباطی نیز ۱۵/۸ درصد روستاها برخوردار از صندوق پست، ۷/۴ درصد از نمایندگی پست، ۱/۵ درصد از تلگراف برخوردارند، مضافاً این که ۹۵/۲ درصد روستا تحت پوشش امواج رادیویی و بیش از ۷۰ درصد تحت پوشش کامل شبکه‌های تلویزیونی قرار دارند (آمار، ۱۳۸۸: ۱۲۱). لیکن در

طی بیست سال اخیر حدود ۹۱ روستا از مجموع ۱۲۹۴ آبادی ناحیه متروک و خالی از سکنه شده‌اند. با توجه به این که روند نزولی جمعیت روستایی ناحیه از سال ۱۳۷۰ به بعد آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد و در مجموع حدود ۸۶ درصد از کل نقاط روستایی ناحیه مطالعاتی (۱۰۷۳ روستا) دارای نرخ رشد منفی جمعیت بوده‌اند؛ بنابراین بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر این روند ضرورتی اجتناب ناپذیر است که در این مقاله نگارندگان در پی آن هستند تا تحولات جمعیتی و خالی از سکنه شدن روستاهای شرق گیلان را با توجه به نقش و اثر عوامل جغرافیایی بررسی نماید.



شکل ۱. نمودار نقش عوامل مختلف در ناپایداری روستاها

۳. پیشینه تحقیق

در خصوص اثر مولفه‌های جغرافیایی بر مهاجرت تا آنجا که نگارندگان کنکاش نموده یک کار تحقیقی در محدوده استان زنجان انجام شده است. در این مطالعه محقق با تقسیم بندی عوامل جغرافیایی به عوامل تشدید کننده و عوامل تعدیل کننده، به بررسی اثر هریک از این عوامل بر مهاجرت به شهر با استفاده از داده‌های مطالعاتی از ۵۱ روستای خالی از سکنه استان پرداخته است (محمدی یگانه، ۱۳۸۳).

پیتیه (۱۳۶۹) در اثری تحت عنوان «مهاجرت روستاییان» به بررسی عوامل مؤثر بر این نوع جابجایی‌ها پرداخته که در این بین عوامل جغرافیایی را (به مثابه یک مولفه ذاتی در تحولات این جوامع) در ایجاد مهاجرت بسیار مهم می‌داند (پیتیه: ۴۶).

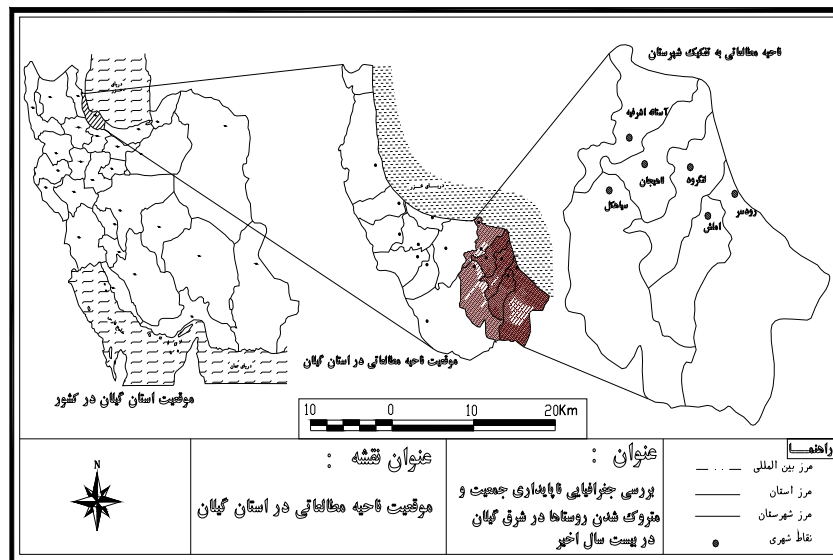
در رابطه با عوامل جغرافیایی و اثر آن بر ایجاد انگیزش در حرکت جمعیت، «مسعود مهدوی» با مطالعه‌ای در مناطق مرکزی ایران نتیجه می‌گیرد که یکی از اساسی‌ترین

عوامل در متروک شدن روستاها و ایجاد محرک در جابجایی جمعیت در این منطقه کمیت و کیفیت منابع آب بوده است (مهدوی، ۱۳۷۷). ایشان در یک تحقیق دیگر با برشمردن عوامل مؤثر بر جریان مهاجرت و تأکید بر عوامل طبیعی بر حادث شدن جریان مهاجرت از جوامع روستایی معتقد است که مهاجرت روستائیان به شهر در ایران مانند ظرف و مظروف است زیرا جمعیت با شتاب در حال افزایش است ولی توان محیطی روستاها- که در اصل همان آب و زمین است- محدود می‌باشد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). رزاقی (۱۳۷۵) نیز معتقد است غلبه شرایط نامساعد طبیعی از دلایل عمده متروک شدن روستاها بشمار می‌رود که علیرغم تلاش‌های ایثارگرانه روستائیان این عوامل بر آنها فائق آمده و آنان را وادار به مهاجرت می‌کند (رزاقی، ۱۳۷۵).

زنجانی (۱۳۸۰) با بررسی مهاجرت و مرور نظریات مربوط، با طرح مهاجرت‌های بنه کن از جوامع روستایی، دلیل عمده آن را اقتصادی می‌داند که این ضعف اقتصادی ریشه در مسائل جغرافیایی یک ناحیه دارد و بالاخره طاهرخانی (۱۳۸۰) با بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستا- شهری و اشاره به نظرات اندیشمندانی نظیر «بوگ»، «دین ونک و همکاران»، «فاوست و همکاران»، «جان کونل»، «کلارک» و «آر.پل.شاو» بر نقش عوامل جغرافیایی در مهاجرت روستائیان به شهر صحنه می‌گذارد.

۴. محدود مطالعه‌ای، مواد و روش‌ها

براساس آخرین سرشماری رسمی کشور محدوده مطالعاتی دارای ۱۲۰۳ نقطه روستایی و ۳۴۳۶۶۵ نفر جمعیت روستایی بوده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۵). این محدوده شامل ۶ شهرستان آستانه اشرفیه، املش، رودسر، سپاهکل، لاهیجان و لنگرود است که با ۴۳۱۰ کیلومتر مربع وسعت در شرق استان گیلان واقع شده و به دلیل تنوع جغرافیایی و شرایط متفاوتی که از نظر اکولوژیکی دارد، بستر مناسبی برای سنجش و ارزیابی اثر گذاری این مولفه‌ها بر رشد و تغییرات جمعیتی جامعه روستایی است که نگارندگان نیز با در نظر گرفتن این مطلب به بررسی موضوع پرداخته‌اند.



شکل ۲. نقشه موقعیت ناحیه مطالعاتی در استان گیلان

بر مبنای طرح مسأله و ضرورت‌های مورد نظر، سؤال اساسی پژوهش این است که «تفاوت‌ها و تشابهات بسترهای جغرافیایی در تحولات جمعیتی و متروک شدن روستاهای ناحیه» چه الگوهایی را نشان می‌دهد؟

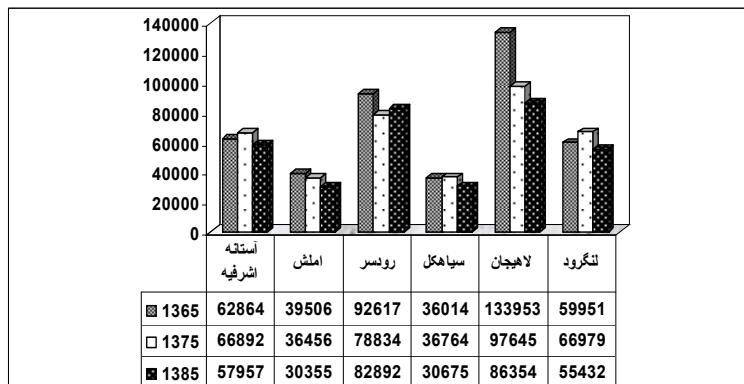
در این راستا فرضیه‌های ذیل مطرح و مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

۱. بین تحولات جمعیتی و مولفه‌های جغرافیایی روستاهای ناحیه رابطه وجود دارد.
۲. بین متروک شدن روستاهای ناحیه و شرایط جغرافیایی رابطه وجود دارد.

پژوهش انجام یافته بر مبنای ماهیت و روش به صورت توصیفی - تحلیلی بوده است که با توصیف وضع موجود و ضمن بررسی خصوصیات و ویژگی‌های جغرافیایی ناحیه، ارتباط بین این متغیر را با تحولات جمعیتی مورد بررسی قرار داده است. در جمع آوری اطلاعات از جامعه آماری طرح علاوه بر منابع اسنادی (به ویژه در تدوین مبانی نظری تحقیق و تشریح وضع موجود) از شیوه میدانی نیز بهره‌گیری شده است. در بخش اسنادی ضمن بررسی سوابق موضوع، وضعیت ناحیه مطالعاتی از نظر جغرافیایی و به ویژه توزیع جمعیت مورد بحث قرار گرفته و در بررسی‌های میدانی مصاحبه با مسئولین شهرستانی و مسئولان محلی در چندین نوبت به انجام رسید. ابزار مورد استفاده در این راه، فرم مصاحبه (برای آگاهی از نقطه نظرات مسئولین و مسائل و مشکلات جامعه روستایی) و دوربین عکاسی (جهت ثبت واقعیت‌ها و قابلیت‌های جغرافیایی ناحیه) مورد استفاده است.

۵. یافته‌های تحقیق

ناحیه مورد نظر شامل قسمتی از جلگه گیلان و کوه‌های البرز می‌باشد که ارتفاعات تالش و در ادامه البرز به عنوان مرزهای غربی، جنوب غربی و جنوب استان و پهنه آبی دریای خزر در امتداد شمالی و شمال شرقی ناحیه محدوده این استان را تعریف می‌نماید. جمعیت ناحیه مطالعاتی در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۲۹۶۳۳ نفر بوده که با یک روند کاهشی به ۶۵۸۰۲۲ نفر در سال ۱۳۷۵ و ۶۳۹۹۲۵ نفر در سرشماری سال ۱۳۸۵ رسیده است. روند تحولات جمعیتی روستاها نیز تا حدودی از روند عمومی حاکم بر ناحیه تبعیت کرده و سیر افزایشی جمعیت تا سال ۶۵ بوده و از سال ۷۵ نیز کاهش جمعیت آغاز شده است.



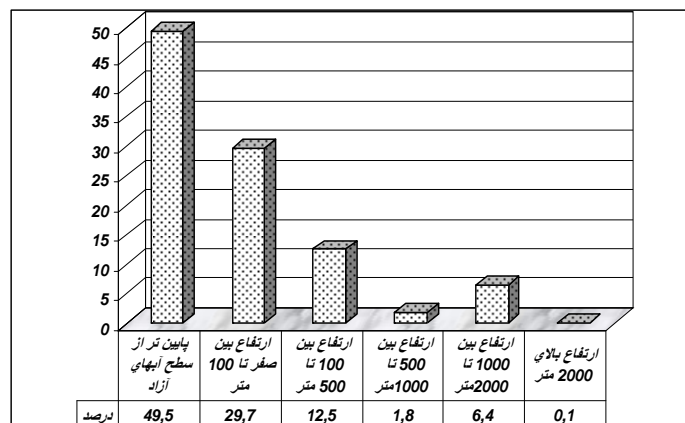
شکل ۳. نمودار تغییرات جمعیت روستایی ناحیه به تفکیک سال‌های سرشماری

۵-۱. توزیع جغرافیایی روستاها و جمعیت روستایی ناحیه مطالعاتی

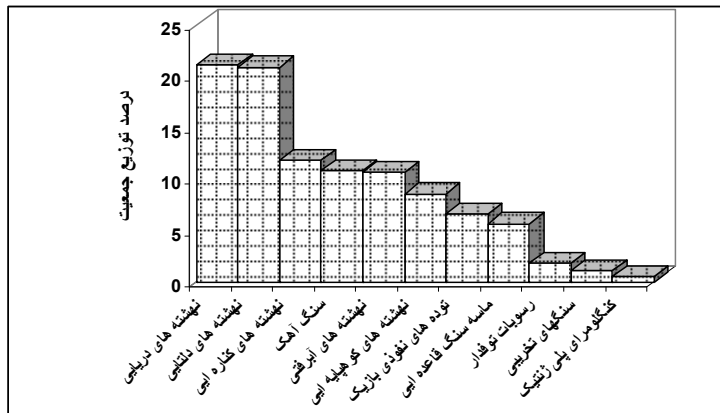
جغرافیای هر ناحیه در توزیع سکونتگاه‌ها و جمعیت انسانی آن نقش بسزایی دارد. پیوند بین مولفه‌های جغرافیایی و مکانیابی سکونتگاه‌ها و استقرار جمعیت ایجاد می‌کند تا با مطالعه این زیرساخت‌ها، رابطه آن با نحوه سازمانیابی استقرارگاه‌ها و پخش جمعیتی بررسی شود.

ساختار زمین‌شناسی ناحیه با توجه به گستردگی جغرافیایی و دیرینه‌شناسی آن از تنوع برخوردار است. انطباق نقشه زمین‌شناسی ناحیه با پراکندگی روستاها و جمعیت روستایی، نشان می‌دهد که محدوده سنگ آهک و ماسه سنگ آهکی و سیلیتی با ۱۴۵ نقطه روستایی بیشترین میزان و زون سنگ آهک توده‌ای با ۲ روستا کمترین روستا را در خود جای داده‌اند. توزیع جمعیت روستایی ناحیه بر اساس شرایط زمین‌شناسی تا حدودی با توزیع سکونتگاه‌های روستایی منطبق است بر اساس اطلاع مستخرج از آمار سال ۱۳۸۵ و نقشه زمین‌شناسی ناحیه، زون نهشته‌های دلتایی و دریایی مستعدترین

بخش جذب جمعیت در ناحیه مطالعاتی است طبق اطلاعات بدست آمده حدود ۴۳/۵ درصد از کل جمعیت روستایی ناحیه در زون نهشته‌های دریایی استقرار دارند. در نقطه مقابل محدوده‌هایی که بافت زمین‌شناسی آن متشکل از سنگ آهک لایه‌ای، سنگ آهک خاکستری است از نظر جذب جمعیت رونق کمی دارد. در محدوده‌های فوق تنها ۰/۴ درصد از جمعیت روستایی ناحیه زندگی می‌کنند. این مناطق به دلیل ضعف تشکیل و تکامل خاک و همچنین شیب زیاد، استعداد کمی برای جذب جمعیت دارند. بر اساس توزیع ارتفاعی حدود ۵۰ درصد از روستاهای ناحیه در محدوده جلگه‌ای (زون ارتفاعی کمتر از ۵۰۰ متر) قرار گرفته‌اند. ۱۰/۷ درصد در محدوده کوهپایه‌ای و ۳۹/۶ درصد نیز از نظر طبیعی در محدوده کوهستانی استقرار یافته‌اند. نظام توزیع جمعیت به طور متعارف با توپوگرافی رابطه معنی داری دارد به طوری که با افزایش ارتفاع میزان جمعیت کاسته می‌شود این قاعده در منطقه مطالعاتی نیز صادق است.



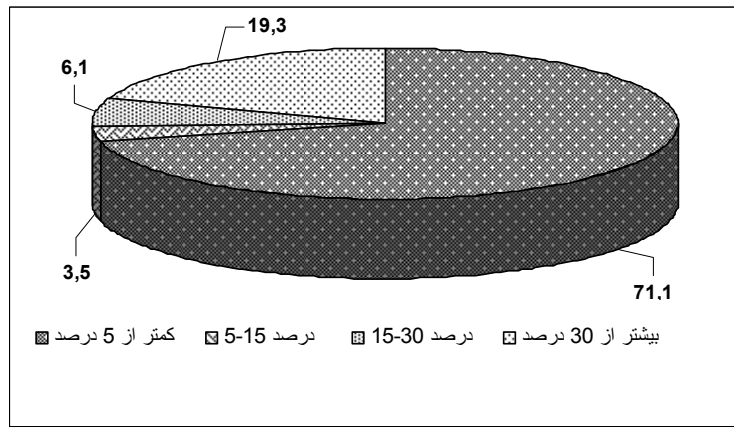
شکل ۴. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس وضعیت زمین شناسی



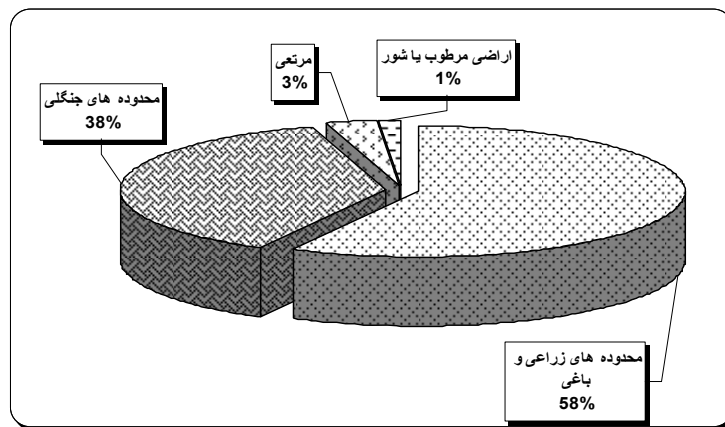
شکل ۵. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس توپوگرافی

بر اساس اطلاعات استخراج شده ۹۱ درصد از جمعیت روستایی ناحیه در ارتفاع کمتر از ۵۰۰ متر سکونت دارند که نشان از رونق زیاد فعالیت و استقرار در این محدوده ارتفاعی دارد ضمن این که بیشترین میزان جمعیت در زیر منحنی صفر متمرکز هستند که نمایانگر استعداد قوی این محدوده و فراهم بودن شرایط و زیر ساخت‌های محیطی مناسب برای استقرار جمعیت است. طبق آمار موجود حدود نیمی از جمعیت روستایی استقرار در جلگه و محدوده‌هایی پست و کم ارتفاع را ترجیح داده و در بستر متنوع فعالیت‌های اقتصادی چون صید، زراعت و فعالیت‌های خدماتی مشغول هستند. در نقطه مقابل ارتفاعات بالای ۵۰۰ متر بدلیل فقر منابع محیطی و محدودیت‌های طبیعی، زمینه تمرکز جمعیت را کاهش داده است به طوری که تنها ۹ درصد جمعیت روستایی ناحیه در این محدوده استقرار دارند. البته در مقام مقایسه از ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر به نسبت جمعیت بیشتری نسبت به ارتفاع بالای ۲۰۰ متر ساکن هستند ضمن این که میزان جمعیت ساکن در ارتفاع ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر نیز قابل توجه نیست.

با توجه به نوع پوشش گیاهی غالب در ناحیه مطالعاتی، عمده روستاهای شرق گیلان در محدوده‌های جنگلی استقرار دارند. از مجموع روستاهای ناحیه، حدود ۵۶ درصد را روستاهای جنگلی در بر می‌گیرد که این تعداد روستاها که ۶۷۹ آبادی دارای سکنه را شامل می‌شود.



شکل ۶. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس کاربری اراضی



شکل ۷. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس شیب

اراضی مرتعی دومین محدوده زیستی ناحیه را بشمار می رود که ۵/۶ درصد نقطه روستایی را در خود جای داده است. این تعداد روستا صرفاً در شهرستان‌های کوهستانی ناحیه یعنی املش و سیاهکل مشاهده می‌شود و در سایر قلمروهای اداری - سیاسی ناحیه که منطبق بر محدوده‌های جلگه‌ای است این نوع کاربری دیده نمی‌شود و بالطبع در نظام پراکنش روستاها نیز اثر چندانی در این محدوده‌ها نمی‌شود.

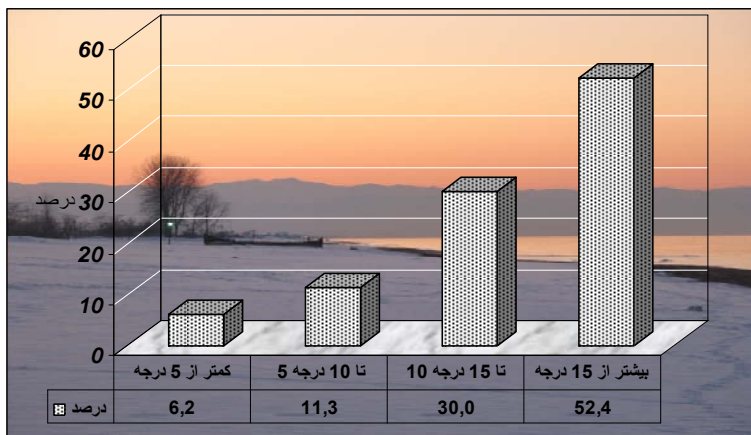
توزیع جمعیت در ناحیه مطالعاتی بر اساس پوشش گیاهی نشان می‌دهد، ۵۸ درصد جمعیت ناحیه در محدوده‌های زراعی و باغی ساکن هستند. این میزان جمعیت که حدود ۱۹۳۳۰۰ نفر را شامل می‌شود عموماً در شهرستان‌های جلگه‌ای ساکنند طبق

اطلاعات بدست آمده کمترین میزان استقرار جمعیت در این قلمروها مربوط به شهرستان‌های کوهستانی نظیر سیاهکل و املش است.

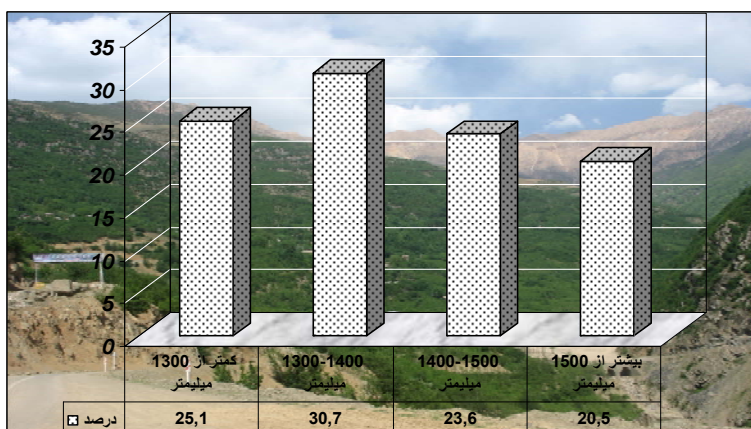
بر اساس اطلاعات استخراج شده از نقشه همدمنا ناحیه، رابطه بین درجه حرارت و نظام استقرار روستاهای ناحیه یک رابطه مستقیم را نشان می‌دهد به نحوی که بیشترین تعداد روستاهای ناحیه در محدوده بالای ۱۵ درجه سانتی‌گراد با ۳۹۴ روستا می‌باشد ضمن این که روستاهای ناحیه محدوده بین ۱۰ تا ۱۵ درجه با ۳۸۵ روستا و محدوده منطبق بر میانگین دمایی ۵ تا ۱۰ درجه با ۲۰۷ روستا در رده‌های بعدی قرار دارند.

این نظام پراکنش نشان می‌دهد که در شرایط اقلیمی ناحیه مطالعاتی، درجه حرارت (البته در تلفیق با توپوگرافی و شیب) عنصر تعیین کننده‌ای است؛ بنابراین محدوده‌های جلگه‌ای که از میانگین دمایی بالاتری برخوردار هستند، با دارا بودن شرایط مساعد طبیعی، پذیرای جمعیت بیشتری بوده و شرایط تشکیل روستاها در آنها بهتر بوده است. بر اساس همین اطلاعات، بیشترین میزان جمعیت در منحنی بیشتر از ۱۵ درجه با ۵۲/۴ درصد از کل سکنه ناحیه را شامل می‌شود. در مراتب بعدی روستاهایی که بین منحنی ۱۰ تا ۱۵ درجه قرار دارند که رقم کمتری نسبت به محدوده قبلی را نشان می‌دهد اما نسبت محدوده‌هایی که بین ۱۰-۵ درجه قرار دارند (که ۳۸۵۳ نفر جمعیت را در خود جای داده است) جمعیت بیشتری را در خود جای داده است و بالاخره کمترین میزان جمعیت ناحیه نیز در محدوده‌های با درجه حرارت کمتر از ۵ درجه استقرار دارند.

نظام توزیع بارش بر اساس نقشه همباران ناحیه نشان می‌دهد که با تغییر در میزان بارش، در توزیع جغرافیایی روستاها نیز تغییراتی دیده می‌شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین میزان سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مطالعاتی بر منحنی بارش ۱۴۰۰-۱۳۰۰ میلی متر منطبق است. ۳۷ درصد کل روستاهای ناحیه در این محدوده قرار دارند. در کنار محدوده فوق، در منحنی ۱۳۰۰-۱۲۰۰ میلی‌متر، حدود ۲۷۷ روستا و در منحنی بالاتر از ۱۵۰۰ میلی متر نیز ۲۴۵ روستا استقرار یافته‌اند. ضمن این که در محدوده‌های با بارش بین ۱۵۰۰-۱۴۰۰ میلی متر نیز ۲۳۹ روستا شکل گرفته‌اند.



شکل ۸. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس منحنی همدم



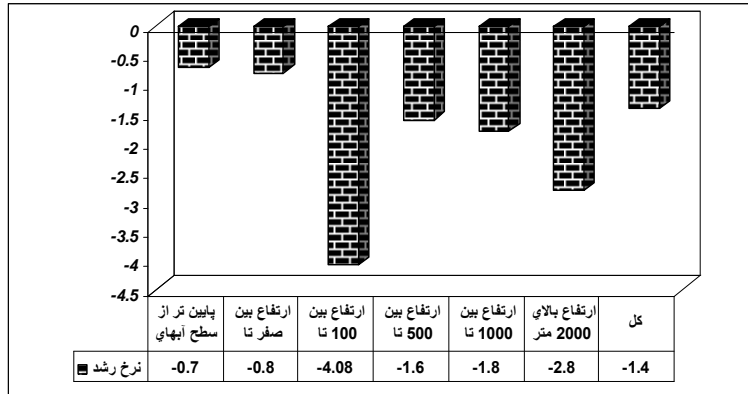
شکل ۹. نمودار توزیع جغرافیایی جمعیت روستایی ناحیه بر اساس منحنی همباران

۲-۵. روند تحولات جمعیتی در روستاهای ناحیه در بیست سال اخیر

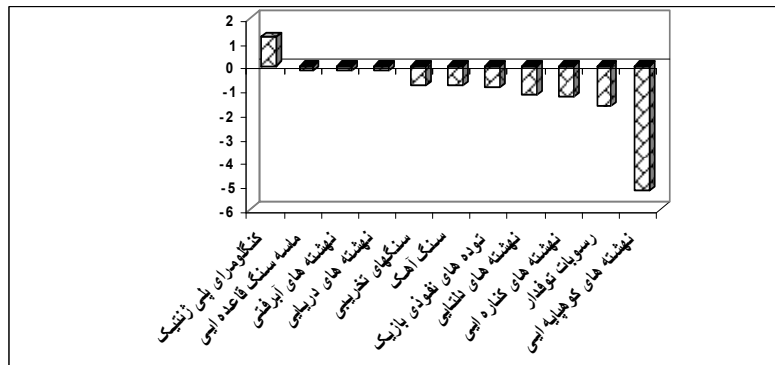
همان طور که بیان شد جمعیت روستایی ناحیه در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۵۳۷۸۹ نفر بوده است که در ۱۲۰۳ نقطه روستایی استقرار یافته‌اند. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ میزان جمعیت روستایی ناحیه به ۳۴۰۳۲۸ نفر کاهش یافته که نسبت به دو دهه قبل ۲۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

با توجه به گروه بندی روستاها در محدوده‌های زمین شناسی مختلف و طبقه بندی روستاها و مقایسه بین جمعیت سال ۶۵ و ۸۵ در کلیه محدوده‌ها به جز بسترهای آبرفتی با نهشته‌های ساحلی کهن و کنگلومرای پلی ژنتیک، جمعیت کاهش یافته است.

بیشترین میزان کاهش در نهشته‌های کوهپایه‌ای و سنگ آهک لایه‌ای رخ داده که مقایسه جمعیت سال ۱۳۶۵ و ۸۵ نشان می‌دهد که جمعیت این دو ناحیه ۶۵ درصد کاهش داشته است. در مقایسه بین محدوده‌های مختلف، کمترین میزان کاهش در روستاهایی رخ داده که بر بسترهای آبرفتی دوران چهارم (نظیر نهشته‌هایی دریایی، دلتایی و سیلابی) استقرار یافته‌اند.



شکل ۱۰. نمودار درصد تغییرات جمعیتی ناحیه مطالعاتی در دوره زمانی



شکل ۱۱. نمودار نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه در دوره پژوهش مورد بررسی و بر حسب ارتفاع به تفکیک ساختار زمین شناسی

توزیع جمعیت ناحیه بر حسب توپوگرافی در دو سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که افزایش جمعیت در هیچ یک از محدوده‌های ارتفاعی دیده نمی‌شود و به تبع روند تحولات جمعیتی ناحیه در کل محدوده‌ها، کاهش جمعیت رخ داده است. بیشترین میزان کاهش در محدوده ارتفاعی ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر اتفاق افتاده است. میزان کاهش در این دوره ۵۶ درصد بوده که جمعیت ناحیه را از ۹۸۲۶۸ نفر به ۴۲۵۹۰ نفر کاهش داده

است. در مقایسه بین شهرستان‌های مختلف، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. اگرچه در شهرستان‌های سیاهکل، لاهیجان و لنگرود این زون ارتفاعی با کاهش جمعیت روبه رو بوده است اما بر خلاف این روند در شهرستان‌های رودسر و املش، افزایش جمعیت در این محدوده اتفاق افتاده است. بنابر این می‌توان شرایط طبیعی را در سطح میکرو در این ارتباط مؤثر است.

در ارتفاع بالای ۲۰۰۰ متر نیز میزان کاهش ۴۴ درصد بوده است که البته این قلمرو ارتفاعی صرفاً در شهرستان رودسر وجود دارد. در این زون ارتفاعی جمعیت از ۵۶۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۳۱۲ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است. طبق اطلاعات ارائه شده در مباحث قبلی در این محدوده تنها ۶ روستا استقرار دارند که توان نگهداشت جمعیتی آنها نیز ضعیف است.

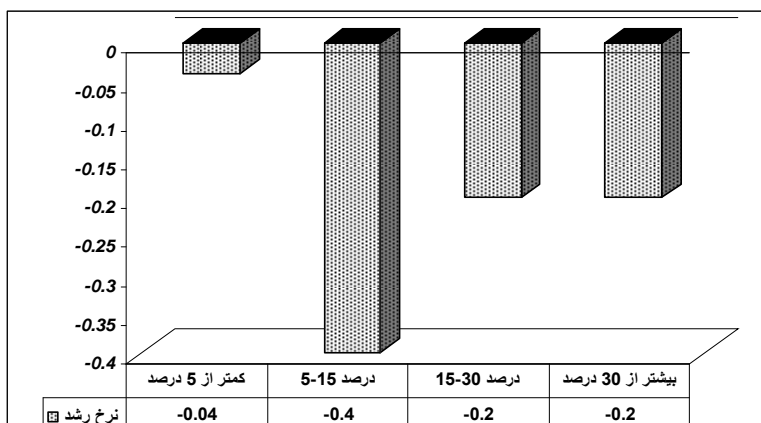
ضریب کاهش جمعیت در محدوده‌های ارتفاعی ۱۰۰۰-۵۰۰ متر و ۲۰۰۰-۱۰۰۰ متری نیز قابل توجه است. طبق محاسبات انجام شده جمعیت این قلمروهای ارتفاعی در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۲۸ و ۳۰ درصد کاهش داشته است. این محدوده ارتفاعی که به شهرستان‌های املش، رودسر و سیاهکل منطبق است. به لحاظ ظرفیت‌های جمعیتی و توانمندی‌های طبیعی، جمعیت نگهداشت بالنسبه ضعیف بوده و در برابر موج مهاجرت از روستاها، شرایط تعدیل کننده ضعیف‌تری دارد.

توزیع جمعیت بر اساس شیب و به تفکیک دو سرشماری (سال ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که به تبع روند کلی جمعیت در این ناحیه در همه قلمروها کاهش جمعیت اتفاق افتاده است. بیشترین میزان کاهش در محدوده شیب ۳۰ تا ۵۰ درصد رخ داده است که بر اساس اطلاعات ارائه شده حدود ۶۳ درصد کاهش جمعیت در این محدوده داشته‌ایم که بیشترین کاهش به شهرستان املش مربوط است که به دلیل تبدیل شیخوسلات به یک نقطه شهری و انضمام چندین روستا به این نقطه شهری جدیدالتأسیس است که ۸۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

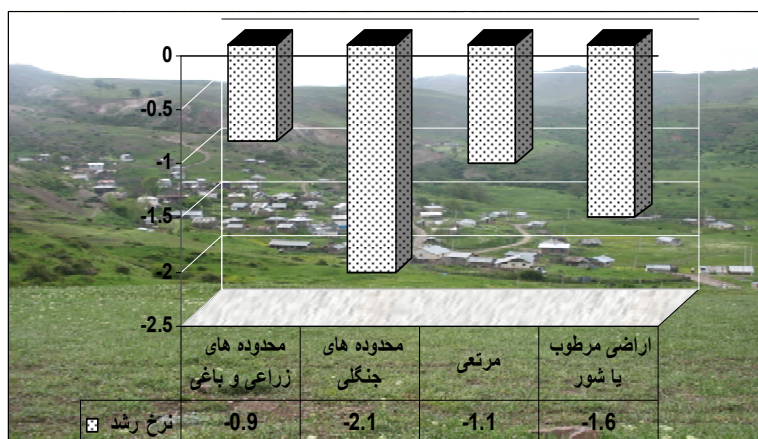
اراضی با شیب ۵ تا ۱۰ درصد نیز با ۲۲/۳ درصد کاهش از جمله محدوده‌هایی است که با کاهش شدید جمعیت روبه رو بوده است. در اراضی با شیب بیشتر از ۵۰ درصد نیز ۲۰ درصد کاهش جمعیت رخ داده است که جمعیت این قلمرو را از ۴۱۱۱۶ نفر به ۳۲۸۸۷ نفر کاهش داده است.

در اراضی با شیب کمتر از یک درصد جمعیت در دوره آماری پژوهش ۱۶/۸ درصد کاهش داشته است. البته این میزان کاهش برای این زون کمی نیز متعارف به نظر می‌رسد، چرا که شیب کمتر از یک درصد بهترین محدوده کشت و زرع و بر پایه فعالیت‌های کشاورزی است. در شیب بین ۵ - ۳ درصد نیز کاهش قابل توجه بوده است.

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول جمعیت ناحیه در این زون در انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره ۱۵/۳ درصد کاهش داشته است. اراضی با شیب بین ۱۰ تا ۳۰ درصد نیز کاهش بین ۹/۵ تا ۱۰/۱ درصد داشته است. طبق اطلاعات موجود میزان جمعیت ناحیه که بر روی این شیب‌ها استقرار دارند از ۳۰۸۷۳ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۲۷۷۹۲ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است.



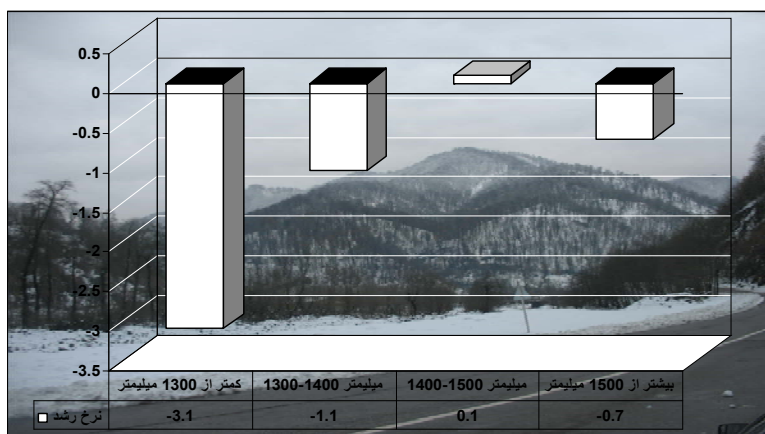
شکل ۱۲. نمودار نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه در دوره زمانی پژوهش



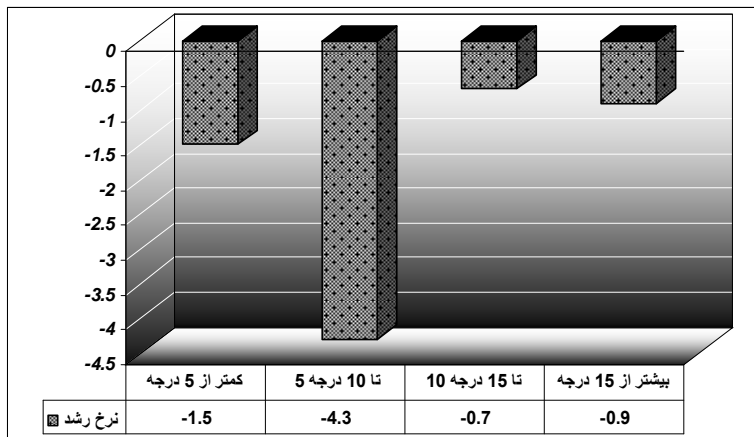
شکل ۱۳. نمودار نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه در دوره زمانی پژوهش و به تفکیک شیب تفکیک نوع کاربری اراضی

با توجه به کاربری اراضی و بر اساس محاسبات انجام شده بیشترین میزان کاهش جمعیت در محدوده‌های جنگلی بوده است. بر اساس برآورد جمعیتی دوره پژوهش (۸۵ - ۱۳۶۵) جمعیت این محدوده ۳۵/۴ درصد کاهش داشته است. در محدوده مرتعی

و حاشیه رودخانه‌ها نیز میزان کاهش قابل توجه است. طبق اطلاعات جمعیتی این محدوده‌ها، کاهش در محدوده‌های مرتعی ۲۹ درصد و در حاشیه رودخانه‌ها ۲۸ درصد بوده است. گرچه قلمروهای فوق جمعیت زیادی نداشته و از لحاظ سهم جمعیتی در رده پایینی قرار دارند لیکن کاهش صورت گرفته در تعداد جمعیت آنها قابل توجه است. اراضی مرطوب نیز با ۱۹ درصد کاهش در مرتبه بعدی قرار دارد. در قلمرو جلگه‌ای (که پوشش گیاهی آن عموماً شامل فعالیت‌های باغی و زراعی است). گرچه در مقایسه با سایر محدوده‌ها کمترین میزان کاهش در این قلمرو اتفاق افتاده است. در مقایسه بین شهرستان‌های محدوده بیشترین کاهش به ترتیب در شهرستان‌های لاهیجان، لنگرود، آستانه اشرفیه، سپاهکل و املش اتفاق افتاده است. در حالی که محدوده جلگه‌ای شهرستان رودسر بر خلاف پنج شهرستان دیگر افزایش جمعیت داشته است. توزیع جغرافیایی جمعیت در ناحیه مطالعاتی نشان می‌دهد که درصد کاهش جمعیت در محدوده دمایی ۵ تا ۱۰ درجه بیشتر از سایر قلمروهاست. قلمرو دمایی کمتر از ۵ درجه با ۲۶ درصد کاهش جمعیت در رده دوم قرار دارد. این میزان کاهش در ۵ شهرستان ناحیه که منطبق بر این محدوده دمایی استان نیز اتفاق افتاده است. قلمرو دمایی ۱۵ درجه و بیشتر با ۱۷ درصد کاهش در رده سوم قرار دارد و بالاخره در محدوده دمایی ۱۰ تا ۱۵ درجه جمعیت ناحیه ۱۳ درصد کاهش داشته است. در ۵ شهرستان ناحیه که منطبق بر این قلمرو دمایی هستند در ۴ شهرستان کاهش جمعیت و در یک شهرستان افزایش جمعیت داشته‌ایم.



شکل ۱۴. نمودار نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه در دوره زمانی پژوهش



شکل ۱۵. نمودار نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه در دوره زمانی پژوهش و به تفکیک منحنی همباران تفکیک منحنی همدم

توجه به توزیع جغرافیایی روستاها و تطبیق آن با منحنی همبارش و طبقه بندی جمعیتی روستاها نشان می‌دهد که به غیر از محدوده قلمرو بارش ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی‌متر، در بقیه محدوده‌ها کاهش جمعیت رخ داده است. بیشترین میزان کاهش در قلمرو بارش ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ میلی‌متر می‌باشد که جمعیت انتهای پژوهش نسبت به ابتدای دوره ۴۷/۵ درصد کاهش داشته است. در محدوده بارشی ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ میلی‌متر حدود ۲۰ درصد کاهش جمعیت رخ داده و تعداد جمعیت این محدوده از ۱۳۱۵۷۲ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۰۴۶۲۱ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

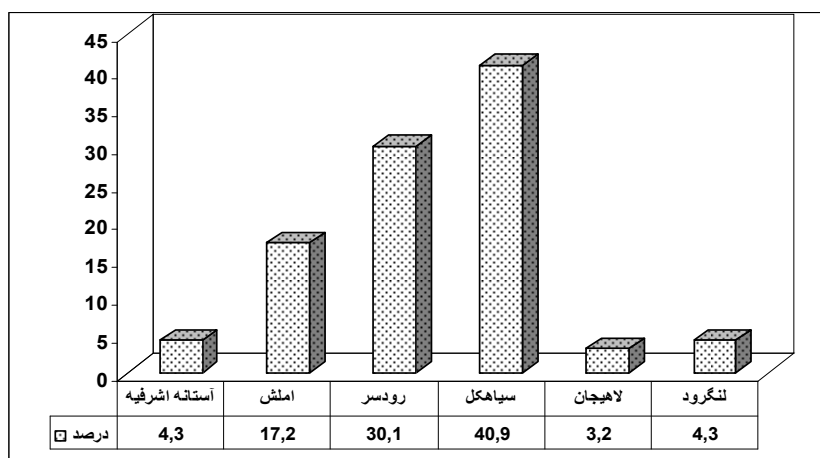
محدوده بارشی بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متر با ۱۴ درصد کاهش جمعیت روبرو بوده است اما در قلمرو بارشی ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی‌متر بر خلاف سایر محدوده‌ها جمعیت افزایش یافته و بر اساس اطلاعات استخراج شده جمعیت این محدوده از ۷۸۱۹ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۸۰۴۴ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده که ۲/۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد

۵-۳. روند متروک شدن روستاها در ناحیه مطالعاتی در بیست سال اخیر

متروک شدن روستاها در هر ناحیه تابعی از شرایط اقتصادی-اجتماعی و جغرافیایی آن است همان‌طور که توان اقتصادی یک روستا در توان نگهداشت جمعیت مؤثر است، شرایط جغرافیایی نیز از جمله مولفه‌های تعیین‌کننده است. شرایطی که نوعی سرخوردگی و عدم حصول به آرزوهای زندگی را در روستائیان ایجاد کرده و باعث ترک سرزمین اجدادی می‌شود.

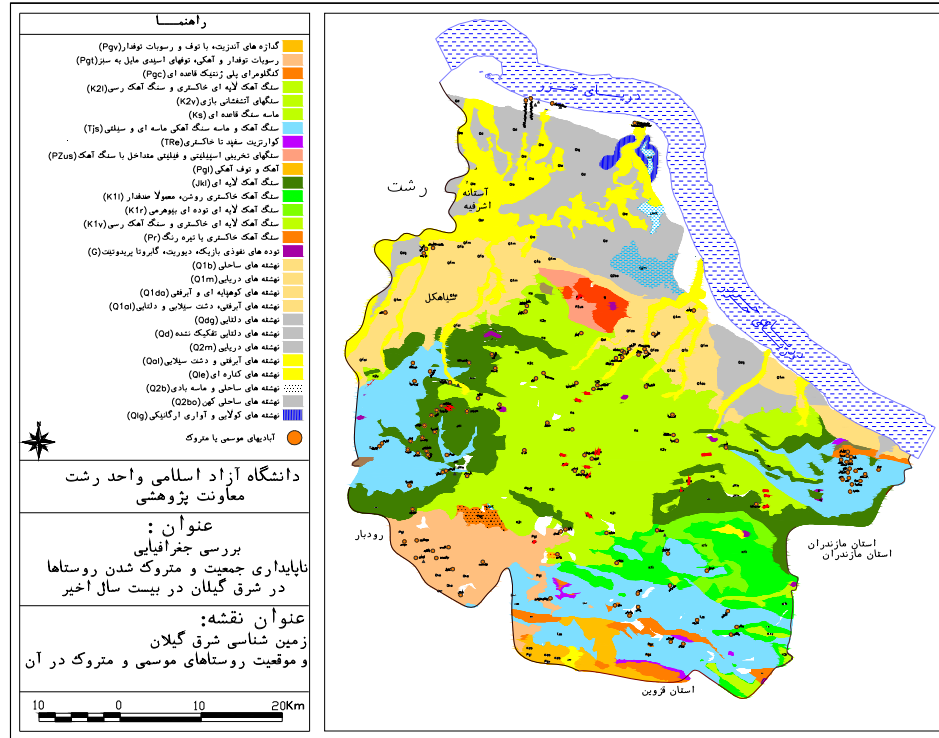
بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۶۵ در ناحیه مطالعاتی ۱۲۹۷ آبادی مسکونی وجود داشته است که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ تعداد روستاهای ناحیه به ۱۲۰۳ نقطه

کاهش یافته است. بنابر این می‌توان گفت که در بیست سال اخیر ۹۳ نقطه روستایی یا متروک شده و یا تبدیل به آبادی‌های مسکونی موسمی شده‌اند.



شکل ۱۶. نمودار توزیع روستاهای متروک و موسمی در ناحیه مطالعاتی به تفکیک شهرستان

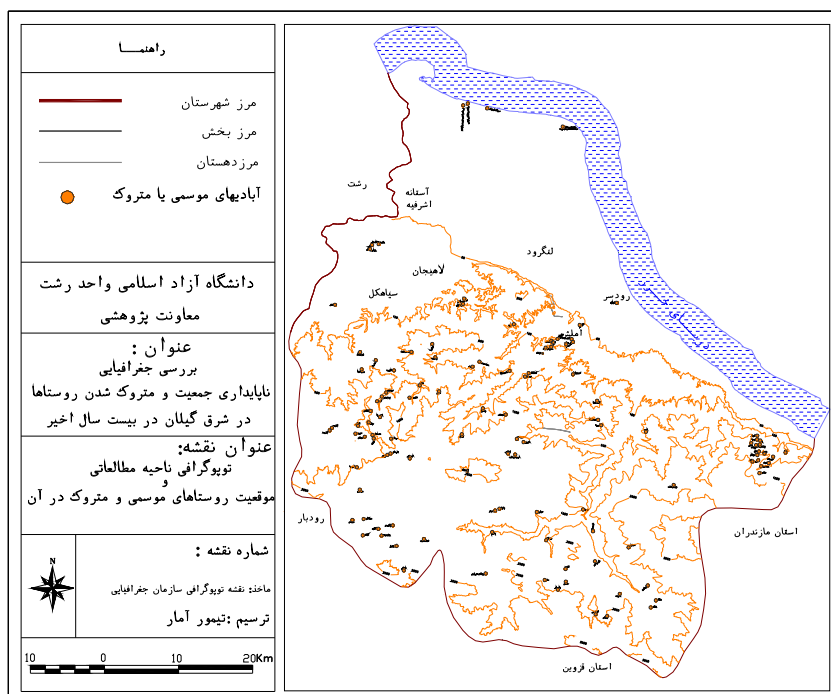
توزیع جغرافیایی محدوده‌های روستایی خالی از سکنه نشان می‌دهد که بیشترین تعداد با ۳۸ نقطه مربوط به شهرستان سیاهکل می‌باشد. بر اساس یافته‌های این پژوهش شهرستان‌های رودسر و املش نیز با داشتن ۲۸ و ۱۶ روستای متروک مسکونی در زمره محدوده‌هایی هستند که در فرآیند زمانی پژوهش تعداد قابل توجهی از روستاها تبدیل به نقاط غیرمسکونی یا مسکونی موسمی شده‌اند. در عوض شهرستان‌های آستانه و لنگرود با ۴ روستا کمترین حجم روستاهای متروک و یا مسکونی موسمی را به خود اختصاص داده‌اند



شکل ۱۷. نقشه زمین شناسی شرق گیلان و موقعیت روستاهای موسمی و متروک در آن

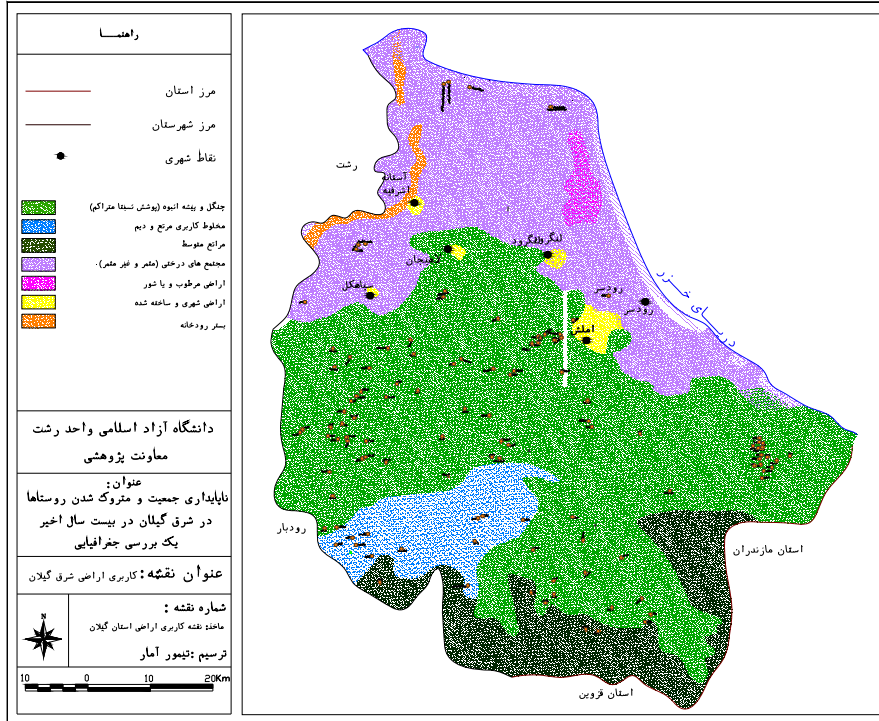
بر اساس ساختار زمین‌شناسی ناحیه و تطبیق موقعیت روستاهای مسکونی و متروک ناحیه، عمده‌ترین قلمرویی که این گونه استقرارگاه‌ها در آن قرار دارند محدوده‌هایی با جنس آهک هستند که حدود ۷۲ درصد روستا (۷۷/۴ درصد از کل روستاها) را در خود جای داده‌اند. این گونه عرصه‌ها عموماً در شهرستان‌های رودسر و سیاهکل قرار داشته به طوری که در بستر آهکی این شهرستان‌ها در طی بیست سال اخیر به ترتیب ۲۲ و ۳۸ روستا متروک شده و یه سکنه فصلی دارند ضمن این که محدوده آهکی شهرستان‌ها املش نیز با ۱۰ نقطه روستایی متروک سهم عمده ای در این زمینه دارد. توزیع ارتفاعی روستاهای مسکونی موسمی و متروک در ناحیه نشان می‌دهد که بیشترین میزان این گونه روستاها به محدوده ارتفاعی ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر تعلق داشته در حالی که کمترین میزان در قلمرو ارتفاعی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر استقرار دارند. ضمن اینکه در قلمروهای ارتفاعی کمتر از ۱۰۰ متر و ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر به ترتیب ۱۷ و ۲۴ روستای مسکونی و متروک قرار دارند. اگر کل ناحیه را به دو قلمروی ارتفاعی کمتر از ۵۰۰ متر و ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر تقسیم نماییم، مناطق پست و کم ارتفاع ۴۴ درصد از کل

روستاهای خالی از سکنه را در خود جای داده و در ارتفاعات نیز با ۵۲ نقطه حدود ۴۶ درصد از اینگونه روستاها را در خود جای داده‌اند.



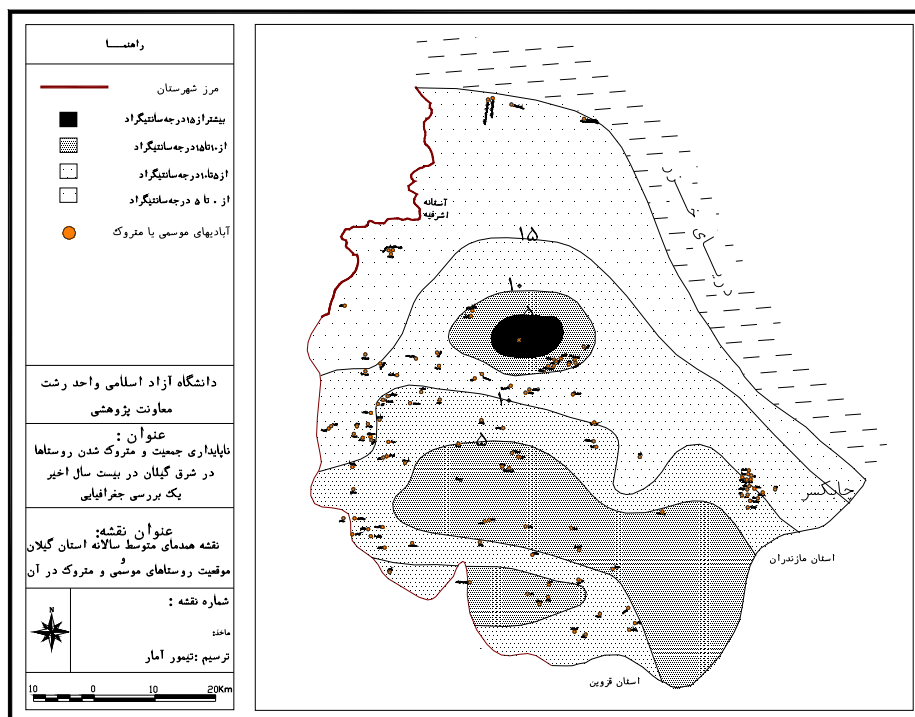
شکل ۱۸. نقشه توپوگرافی ناحیه مطالعاتی و موقعیت روستاهای موسمی و متروک در آن

توزیع جغرافیایی روستاهای متروک و موسمی با عامل شیب یک رابطه مستقیم دارد. در شیب کمتر از ۵ درصد ۱۲ روستا، شیب بین ۵ تا ۱۵ درصد ۱۲ روستا، ۱۵ تا ۳۰ درصد ۱۳ روستا و بالاخره در شیب‌های بالای ۳۰ درصد ۵۶ روستا استقرار دارند. با توجه به این ارقام هر قدر شیب افزایش می‌یابد به تعداد آبادی‌های مسکونی و متروک افزوده شده و بالعکس با کاهش شیب تعداد نقاط روستاهای متروک نیز کاهش می‌یابد. در تطبیق با کاربری اراضی ناحیه به تبع نظام استقرار، بالاترین میزان آبادی‌ها متروک و مسکونی ناحیه در قلمروهای جنگلی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از کل آبادی‌های خالی از سکنه ناحیه ۷۰ نقطه (۷۵ درصد) در محدوده‌های جنگلی قرار دارند. در قلمروهای مرتعی ناحیه نیز ۱۹ آبادی غیر مسکونی قرار دارند.



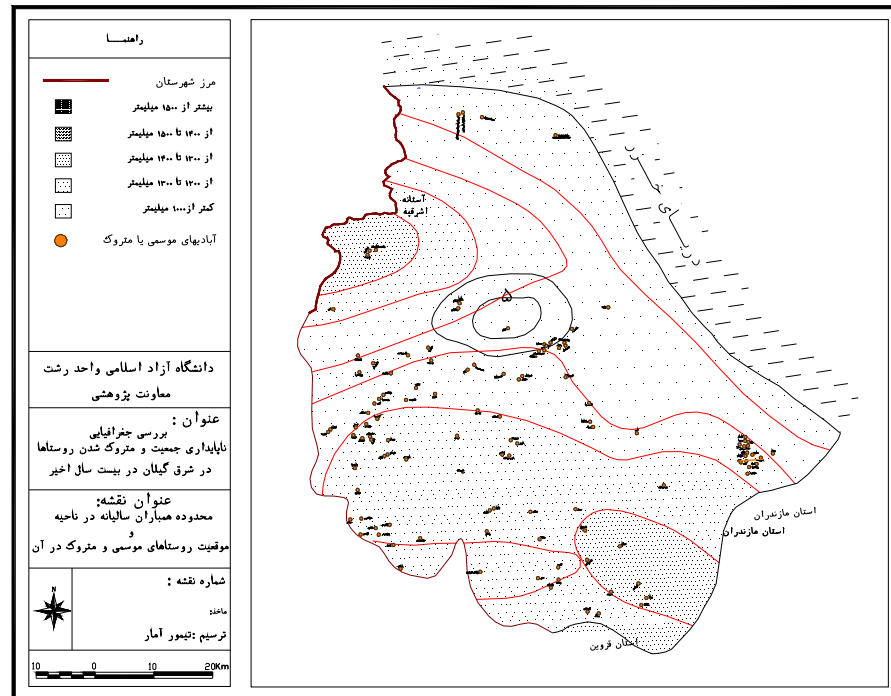
شکل ۱۹. نقشه کاربری اراضی ناحیه مطالعاتی

توزیع جغرافیایی این گونه آبادی‌ها با شاخص‌های اقلیمی (دما و بارش) نشان از یک رابطه مستقیم با میزان بارش و رابطه‌ای تقریباً معکوس با درجه حرارت دارد یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قلمروهایی ۵ تا ۱۰ درجه با ۳۵ آبادی مسکونی یا متروک بالاترین تعداد اینگونه آبادی‌ها را در خود جای داده است در حالی که محدوده‌های کمتر از ۵ درجه، با ۱۶ آبادی مسکونی کمترین تعداد این آبادی‌ها را دارا است.



شکل ۱۹. نقشه همدمای متوسط سالانه ناحیه مطالعاتی و موقعیت روستاهای موسمی و متروک در آن

بر مبنای محدوده‌های همبارش، بالاترین تعداد آبادی‌های متروک و مسکونی موسمی ناحیه در قلمرو بارشی ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی‌متر قرار دارند که این رقم ۴۳ درصد از کل آبادی‌های غیر مسکونی ناحیه را شامل می‌شود.



شکل ۲۰. نقشه همباران سالانه ناحیه مطالعاتی و موقعیت روستاهای موسمی و متروک در آن

۶. نتیجه‌گیری

در پیدایش و تکوین مراکز روستایی عوامل زیادی دخیل هستند که در ناپایداری و متروک شدن آنها نیز با اهمیت تلقی می‌شوند. دلایل ناپایداری نقاط روستایی را می‌توان در عواملی چون: عوامل اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی - اطلاعاتی، تبلیغاتی و بالاخره عوامل جغرافیایی جستجو نمود. نتیجه بررسی‌های این پژوهش نشان داد که توزیع روستاها و جمعیت روستایی ناحیه با شرایط جغرافیایی آن رابطه تنگاتنگی دارد. مولفه‌هایی از قبیل زمین‌شناسی، توپوگرافی، شیب، کاربری اراضی و اقلیم بر استقرار روستاها و جمعیت پذیری آنها تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارند.

براساس یافته‌های پژوهش و مقایسه بین دو مقطع زمانی (۸۵-۱۳۶۵) حدود ۲۵ درصد کاهش جمعیت در ناحیه رخ داده که این روند کاهش در تمامی محدوده‌های ارتفاعی مشترک است. ارتباط بین این دو متغیر نشان از یک محدوده اوج کاهش (ارتفاع ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر) داد که با ۵۶ درصد کاهش بالاترین نزول جمعیت را در این محدوده تجربه کرده است. از ارتفاع صفر تا ۵۰۰ متر روند کاهش با یک منحنی افزایشی از ۱۳/۵ درصد به ۱۶ و سپس به ۵۶ درصد می‌رسد و سپس از این محدوده تا ۲۰۰۰ متری نیز از ۲۸ درصد تا ۴۴ درصد کاهش متغیر است.

از طرف دیگر روند تحولات جمعیتی ناحیه را با توجه به دو عنصر اقلیمی دما و بارش نمایانگر کاهش ۵۸ درصد جمعیت در محدوده دمایی ۵ تا ۱۰ درجه است و ۴۷/۵ درصدی جمعیت روستایی در محدوده بارشی ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ میلی متر است. اگر چه رابطه بین این دو متغیر یک رابطه مستقیم کامل نیست لیکن نمایانگر یک رابطه معناداری است که تداعی رابطه مستقیم ناقص بین دما و کاهش جمعیت و رابطه معکوس بین بارش و کاهش جمعیت دارد. و بالاخره این که بین متروک شدن روستاهای ناحیه و شرایط جغرافیایی بویژه توپوگرافی، شیب و میزان بارش رابطه وجود دارد. طبق یافته‌های این پژوهش ۷۷ درصد آبادی‌ها در محدوده آهکی ناحیه و ۷۵ درصد آنها در قلمروهای جنگلی استقرار دارند. اما ارتباط بین این پدیده (متروک یا موسمی بودن سکونتگاه‌ها) با مولفه‌هایی چون توپوگرافی، شیب و بارش قویتر است. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه بین متروک شدن روستاها با توپوگرافی، شیب و بارش مستقیم است. به این معنا که به تناسب افزایش ارتفاع، افزایش درصد شیب و افزایش میزان بارش، تعداد نقاط روستایی متروک و یا موسمی افزوده شده بالعکس با کاهش شاخص این مولفه‌ها (متر، درصد و میلی متر) تعداد اینگونه روستا نیز کاهش می‌یابد.

۷. منابع

۱. آمارت (۱۳۸۸). توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در ایجاد انگیزه برای مهاجرت جوانان روستایی به شهر، فصل‌نامه سرزمین، شماره ۲۱.
۲. پیتیه، ژ (۱۳۶۹)، مهاجرت روستائیان، ترجمه محمد مومنی کاشی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳. زنجانی، ح (۱۳۸۰)، مهاجرت، انتشارات سمت، تهران.
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۸۱)، آمارنامه استان گیلان، سال ۱۳۶۵.
۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۷۷)، آمارنامه استان گیلان، سال ۱۳۷۶.
۶. سازمان زمین‌شناسی کشور (۱۳۷۱)، نقشه زمین‌شناسی ۱:۱۰۰۰۰۰ استان گیلان.
۷. سازمان نقشه برداری کشور (۱۳۷۸): نقشه کار بری اراضی ۱:۱۰۰۰۰۰ استان گیلان، رشت لوشان.
۸. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۶۹)، نقشه توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰۰ استان گیلان.
۹. سعیدی، ع (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیایی روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. طاهرخانی، م (۱۳۸۲)، تحلیلی بر عوامل موثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۰.
۱۱. معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان (۱۳۸۶)، فرهنگ آبادی‌های استان گیلان.
۱۲. محمدی یگانه، ب (۱۳۸۳)، بررسی عوامل جغرافیایی موثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری و متروک شدن روستاها در استان زنجان، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره
۱۳. مهدوی، م (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. و برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: آمار، تیمور (۱۳۸۸)، بررسی جغرافیایی ناپایداری جمعیت و متروک شدن روستاها در شرق گیلان در بیست سال اخیر، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.